



بخش بیست و هفتم
چگونگی حمله انگلیسی‌ها به آبادان
بندر آبادان محل سوخت‌گیری ناوهای ایرانی به شمار می‌رفت و ناو پلنگ مأمور حفاظت از بندر آبادان و مؤسسات نفتی مستقر در آن بود. ناخدا سوم میلانیان فرماندهی ناو پلنگ و ناویان یکم کهنمویی مسئول توپخانه و ناویان یکم ریاضی ازجمله افسران این ناو بود (خلیلی، ۱۳۲۳: ۷۱).

در برخی از منابع تاریخ ذکر شده است که شب قبل از سوم شهریور ۱۳۲۰ شرکت نفت از رؤسای ادارات آبادان و خرم‌شهر و بزرگان محلی دعوت به عمل آورد که جمعی از کارکنان نیروی دریایی و – همچنین به روایتی – جمعی از کارکنان نیروی دریایی انگلیس مستقر در بصره نیز در میهمانی حضور داشتند. (بهنیا، ۱۳۸۵: ۹) و یا اینکه گروهی از ایرانیان به‌ویژه افسران نیروی دریایی به مجلس ضیافت آندرسن رئیس کشتیرانی شرکت نفت دعوت شده بودند، تمام این مراسم بدان خاطر بود که درست در همان لحظات نبرد، ناوهای انگلیسی در تاریکی شب به سواحل ایران نزدیک شوند و افراد موردنظر را در خشکی پیاده نمایند (فرامرزی، ۱۳۸۶).

اما روایت‌های دیگری نیز در این خصوص وجود دارد. در یکی از منابع تاریخ ذکر شده است: «برای تیره افسران آبادان بایستی گفته شود اینکه در اذهان شایع است که شب سوم شهریور انگلیسی‌ها در باشگاه شرکت نفت مهمانی نموده و افسران ایرانی تا ساعت سه بعد از نصف شب در آنجا بوده‌اند، کاملاً دروغ است و چنانچه گذشت افسران در پادگان خود بوده و از ساعت یازده تا یک بعد از نصف شب فرمانده هنگ سرهنگ معصومی داستان جنگ‌های ککلیویه را بیان می‌کرده است.» (خلیلی، ۱۳۲۳: ۵۸). در آن سال‌ها آبادان مرکز تأسیسات نفتی ایران و محل سوخت‌گیری کلیه ناوهای ایرانی بود. ناو پلنگ برای حفاظت از تأسیسات نفتی در کنار یکی از اسکله‌های این بندر پهلو گرفته بود. فرماندهی این ناو برعهده ناخدا سوم میلانیان بود و ناویان یکم کهنمویی مسئول قسمت توپخانه و ناویان یکم ریاضی مسئول امور هدایت این ناوها بود (فرامرزی، ۱۳۸۶).

در روز ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۰ یک فروند رزم‌ناو انگلیسی روبه‌روی نهر اشوشان در نه کیلومتری شمال غربی آبادان لنگر انداخت. این رزم‌ناو چند روز در آنجا ماند و به پیام‌های اخطار نیروی دریایی ایران توجهی نداشت (سلامی پور، ۱۳۸۵). در آن زمان ناو پلنگ به فرماندهی ناخدا سوم حسن میلانیان، برای حفاظت از پالایشگاه آبادان در کنار یکی از اسکله‌ها، پهلو گرفته بود.

در روز دوم شهریور، یک ناو انگلیسی وارد آب‌های آبادان شد و در نزدیکی ناو ایرانی «پلنگ» پهلو گرفت. برابر رسوم بین‌المللی دریانوردی که اگر دو کشتی از دو کشور مختلف در کنار هم پهلو می‌گرفتند، فرمانده ناو قوی‌تر، آجودانش را به ملاقات فرمانده ناو دیگر می‌فرستد و بعدازاین ملاقات، فرمانده ناو برای ملاقات فرمانده ناو قوی‌تر می‌رود و در مرحله بعد فرمانده ناو قوی‌تر به ناو او می‌رود. روز دوم شهریور که آجودان فرمانده ناو انگلیسی به دیدن ناخدا میلانیان رفت، ناخدا میلانیان طبق رسم معمول به دیدار فرمانده ناو انگلیسی رفت و پس از دیدار از فرمانده ناو انگلیسی و انجام تشریفات وقتی تصمیم به برگشت گرفت، فرمانده ناو انگلیسی به او گفت که امروز نمی‌تواند برای بازدید از ناوهای ایرانی بیاید و فردا برای بازدید خواهد آمد. ناخدا میلانیان بعد از بازگشت به ناو پلنگ در مورد تشریفات بازدید فرمانده ناو انگلیسی از ناو پلنگ به کارکنان ناو برای انجام مراسم دستوراتی را صادر کرد (فرامرزی، ۱۳۸۶).

ناخدا سوم میلانیان برای نظارت بسر نگهبانی و حفاظت از پالایشگاه آبادان و شناورها ازجمله نفت‌کش انگلیسی، شب را تا بامداد بیدار مانده بود. ناویان یکم ریاضی در قسمت عقب ناو مشغول کشیک و انجام وظیفه بود و نگهبانان ناو هر کدام سر پست‌های خود بودند و بقیه افراد هم در روی عرشه کشتی مشغول استراحت بودند.

پیش‌ازاین انگلیسی‌ها از طریق جاسوسان خود در شرکت نفت ایران و انگلیس، اطلاعات کاملی از وضع نیروی دریایی ایران به دست آورده بودند و چند روز قبل از حمله، شرکت نفت عمق رودخانه کارون در محل لنگر گاه ناوهای ایرانی را اندازه‌گیری کرده بود. ادامه دارد...



گروه اقتصاد بین‌الملل – اکیان اسماعیلی – به باور ناظران، تلاش ترکیه برای تقویت خانه دریایی‌اش صرفاً با هدف گسترش نفوذ این کشور در حوزه‌های جغرافیایی دریایی نیست، بلکه این بازیگر تلاش دارد تا ضمن برعهده گرفتن مدیریت کریدورها و کانال‌های آبی، از منابع غنی در زیر دریاها نیز بهره‌مند شده و برای خود فرصت‌سازی کند؛ این گزاره‌ای است که بستر را برای تنش میان جناح‌های مختلف هموار کرده است.

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، «در سال‌های اخیر، ترکیه به‌طور قابل‌توجهی جاه‌طلبی‌های دریایی‌اش را در دریای مدیترانه تقویت کرده و هدف این بازیگر اعمال نفوذ و حفاظت از منافع خود در منطقه است. اخیراً، رزمایش مایوی وطن ۲۰۲۵، یک عملیات دریایی در مقیاس بزرگ که بین ۷ تا ۱۶ ژانویه در دریای سیاه، دریای اژه و دریای مدیترانه برگزار شد، آرزوهای استراتژیک دریایی آنکارا را به نمایش گذاشت. این عبارات بخشی از یادداشت منتشرشده در The Cradle است.

پشت پرده مانور دریایی ترکیه
آنطور که «اقتصادنیوز» در مطلبی منتشر کرده؛ اهمیت استراتژیک تأمین امنیت منابع انرژی و مسیرهای تجاری، ترکیه را به رقابت مستقیم با بازیگران منطقه سوق داده و نیروی دریایی ایسن بازیگر را به عنوان ابزار کلیدی مانورهای ژئوپلیتیکی برجسته کرده است. در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری در ماه مه ۲۰۲۳، کشتی آندولو تی‌سی‌جی که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه آن را اولین کشتی «سوسی.ای.وی» جهان نامید و نه‌تنها در بنادر ترکیه پهلو انداخت، بلکه به نماد اردوغان و کمپین انتخاباتی حزب عدالت و توسعه تبدیل شد. کمال قلیچداراوغلو، رهبر حزب اصلی مخالف که در آن زمان رقیب اردوغان بود، تکیه حزب حاکم بر کشتی «آندولو تی‌سی‌جی» را برای مبارزات انتخاباتی به چالش کشید و گفت: محتوای مناظرات سیاسی ما هرچه که باشد، ارتش باید از آن دور بماند. با این حال، فراتر از نماد سیاسی آن، راهاندازی «آندولو تی‌سی‌جی» نشان‌دهنده دگرگونی گسترده‌تری بود؛ ترکیه به‌عنوان یک قدرت دریایی جدی در حال ظهور بود.

به گفته اردوغان، نرخ بومی‌سازی این کشتی ۷۰درصد بوده است. این گزاره با یک فرآیند وسیع‌تر مطابقت دارد؛ نیروی دریایی ترکیه در حال حاضر ۳۱کشتی جنگی در دست ساخت دارد، از جمله یک ناو هواپیمابر بومی، ناوشکن‌های موشک هدایت‌شونده، ناوچه‌های چندمنظوره و زیردریایی‌های تهاجمی.

گسترش ظرفیت‌های دریایی این کشور نقطه کانونی برای ترکیه بوده که منعکس‌کننده آرزوهای این کشور برای خودمختاری استراتژیک و تسلط منطقه‌ای است. «آندولو تی‌سی‌جی» به‌عنوان یک کشتی تهاجمی چندمنظوره آبی خاکی در فهرست نیروی دریایی قرار گرفته است. طراحی آن بر اساس کشتی تهاجمی دوزیست خوان کارلوس اسپانیایی است که مشخصات مشابه در طول، ارتفاع، عرض و سرعت دارد.

نقش «آندولو تی‌سی‌جی» که در ابتدا برای هواپیمای اف–۳۵ ساخت آمریکا برنامه‌ریزی شده بود، با اخراج ترکیه از برنامه اف–۳۵ ایالات متحده به واسطه خرید سامانه‌های

خانه آبی و پیام‌های آن

فضای دریایی یک عنصر کلیدی در دکترین ژئوپلیتیک معاصر ترکیه است. تا همین اواخر، نقطه اصلی تنش در حوزه دریایی میان ترکیه با یونسان و قبرس محدود بود. توسعه ظرفیت فنی برای حفاری نفت و گاز در دریا، کشف و بهره‌برداری از میدان پرینوس در دریای اژه و روند تدوین پیش‌نویس کنوانسیون حقوق دریا توسط سازمان ملل در دهه ۱۹۷۰ شروع به تغییر کرد.

افسران ارشد نیروی دریایی ترکیه در سال ۲۰۰۶ اصطلاح «وطن آبی» را برای نشان دادن نیاز ترکیه به دفاع از منطقه وسیع اقتصادی انحصاری (EEZ) پذیرفتند و از آن استفاده کردند. در دهه ۲۰۱۰، این دکترین گسترش یافت. از آن قبرس تا دریای سیاه و مدیترانه‌شرقی گسترش یافت. از آن زمان، اردوغان به یکی از نمایندگان برجسته «میهن آبی» تبدیل شده و این مفهوم پایه و اساس سیاست منطقه‌ای «فعال» ترکیه در نظر گرفته می‌شود. اگرچه این دکترین به منابع انرژی جدید در دریای سیاه و مدیترانه‌شرقی نیز مرتبط است، اما می‌توان آن را به‌عنوان یک مفهوم ژئوپلیتیکی گسترده در نظر گرفت که در نهایت آرزوی کنترل مسیرهای ترانزیتی دریای شرقی به اروپا را در خود نهفته دارد.

مانور ژئوپلیتیک ترکیه در مدیترانه

دریای مدیترانه از بسیاری جهات میدان مانور ژئوپلیتیکی با اهمیت است. روزانه ۷هزار کشتی تجاری بخش قابل‌توجهی از لجستیک اروپا از طریق حمل‌ونقل در



این دریا را تأمین می‌کنند. این مسیر ترانزیت نفت و گاز خاورمیانه را به دریای سرخ، مدیترانه، دریای اژه، دریای سیاه، اروپا و اقیانوس اطلس منتقل می‌نماید. حمل‌ونقل دوطرفه هیدروکربن از طریق این مسیر برای ترکیه و سایرین مهم است؛ بنابراین می‌توان آن را جغرافیای حیاتی تجارت خارجی قلمداد کرد. در این میان دریاسالار بازنشسته آلتین سوین که به اتهام تلاش برای کودتا در جریان محاکمه‌های ارژنیگون دستگیر شد، به The Cradle گفت که این منطقه نه‌تنها به‌خاطر منابع انرژی بالقوه‌اش، بلکه برای اطمینان از انتقال منابع انرژی مناطق همسایه به بازارها نیز مهم است. به ادعای او، این جغرافیا محل تلاقی مسیرهای دریایی مهم مانند کانال سوئز، تنگه ترکیه و مسیرهای مدیترانه مسیرهای مهم تجاری است. مدیترانه همیشه مرکز ژئواستراتژیک (هارتلند) جهان در دریا بوده است. امروزه این مرکز به مدیترانه‌شرقی منتقل شده است.

روای دریایی اردوغان

علاوه‌بر ایسن، گروهی بر این باورند که حضور نیروی

روزنامه‌دریایی سرآمدمنتشر می‌کند

روای ترکیه برای توسعه‌توان دریایی

دریایی ترکیه در لبی، سوماتلی و شاخ آفریقا و همچنین در لبنان در کنار نیروی یونینغل سازمان ملل متحد و در قطر با سایر عناصر نیروهای مسلح ترکیه، هرکدام دلایل خاص خود را دارند. او می‌گوید: «معقول‌تر است که همه آن‌ها را مرتبط با گسترش حوزه‌های منافع و نفوذ ترکیه بدانیم». علاوه‌بر منابع هیدروکربنی، از جمله هیدرات‌گاز، برای تولید انرژی از دریاها از طریق باد، جریان جزرومد با گذاشتن صفحات خورشیدی نیز گزینه‌های قابل‌تأملی برای تحقق اهداف بلندپروازانه ترکیه است. علاوه‌بر این، جزیره قبرس، که امنیت سسواحل جنوبی ترکیه را تأمین می‌کند، امنیت خود را نیز از طریق جمهوری ترکیه خودخوانده قبرس‌شمالی محقق می‌سازد.

گسترش نیروی دریایی تهاجمی ترکیه به تنش‌های فزاینده میان این بازیگر با یونان، مصر و اسرائیل منجر شده است که همگی ادعاهای همپوشانی در مدیترانه‌شرقی دارند. یونان، به‌ویژه به‌شدت به دکترین «میهن آبی» واکنش نشان داده است، زیرا از تجاوز به آب‌های سرزمینی خود هراس دارد. بنابراین، توسعه نیروی دریایی ترکیه نه‌تنها به‌خاطر دفاع، بلکه در قاب رقابت قدرت منطقه‌ای قابل تبیین است. استقرار قاطعانه نیروهای دریایی ترکیه در آب‌های مورد مناقشه تنش‌های دیپلماتیک را افزایش داده و نگرانی‌ها را در مورد رویارویی‌های نظامی احتمالی افزایش داده است.

با وجود تنش با متحدان غربی بر سر مسائلی مانند سیستم موشکی اس–۴۰۰ روسیه و اختلافات انرژی، ترکیه همچنان یکی از اعضای مهم ناتو است. مانورهای دریایی اخیر با ایالات متحده، مانند رزمایش مشترک اوت ۲۰۲۴ در شرق مدیترانه، نشان می‌دهد که آنکارا به حفظ روابط نظامی قوی با واشنگتن ادامه می‌دهد.

هزینه‌های مانور منطقه‌ای آنکارا

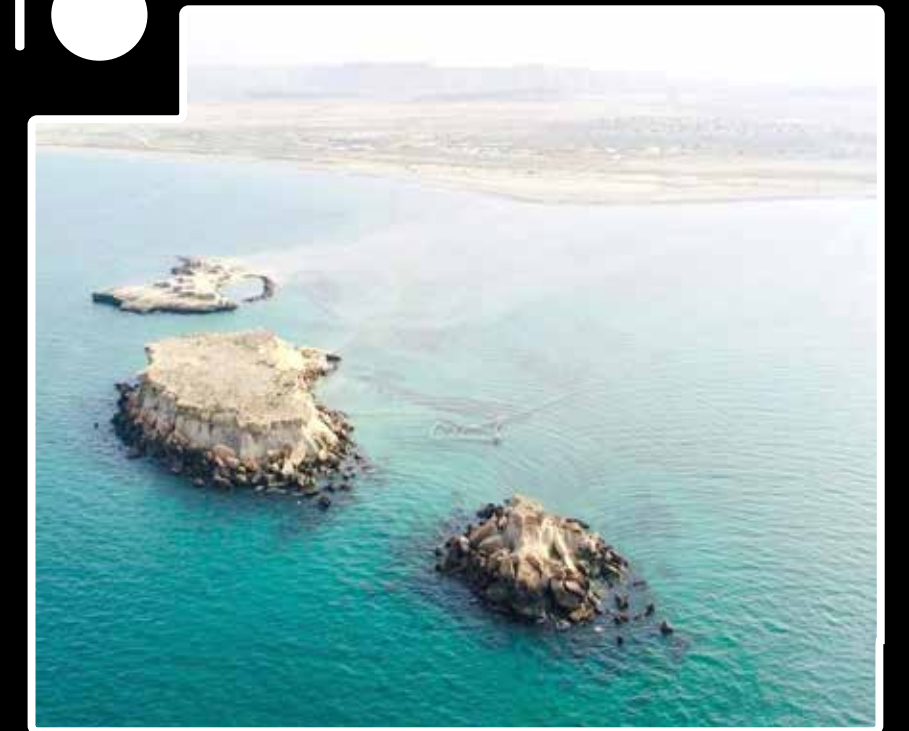
در حالی که ترکیه هنوز با قدرت‌های دریایی جهانی مانند ایالات متحده با چین رقیب نیست، اما اکنون دارای قدرتمندترین نیروی دریایی در غرب آسیاست و در بین ۱۰نیروی دریایی برتر در سراسر جهان قرار دارد. دریاسالار بازنشسته «سوییم» خاطر نشان می‌کند که در حالی که قدرت دریایی ترکیه به‌طور قابل‌توجهی گسترش یافته است، این کشور در مرحله انتقالی باقی مانده و به عنوان یک «نیروی متوسط» در سطح جهانی و یک «نیروی در مقیاس بزرگ» در سطح منطقه قلمداد می‌شود. او پیشنهاد می‌کند که نقش ترکیه به این بستگی دارد که چگونه پیشرفت‌های دریایی را در یک استراتژی ژئوپلیتیکی گسترده‌تر ادغام کند. در ایسن میان صلح و ثبات در شرق مدیترانه باید در اولویت باقی بماند؛ چراکه رقابت دریایی کنترل‌نشده می‌تواند منجر به گیری‌های ناخواسته شود.

از منظری دیگر، نیروی دریایی ترکیه را نمی‌توان یک نیروی دریایی (دریای آزاد) یا «بعد جهانی» در نظر گرفت، بلکه می‌توان آن‌ها را ابزار مبارزه قدرت منطقه‌ای دانست. در حالی که قدرت دریایی گزینه‌های استراتژیک آنکارا را تقویت می‌کند، خطراتی را نیز به همراه دارد؛ به‌ویژه در محیطی که تنش‌ها با یونان، اسرائیل و شسرکای ناتو حل نشده باقی مانده است.

این افزایش قدرت فقط مربوط به پرسنژ آنکارا نیست. این گزاره مواردی، چون تأمین منابع انرژی، کنترل مسیرهای تجاری حیاتی و تأکید بر نفوذ استراتژیک ترکیه از دریای مدیترانه تا آفریقا را در بر دارد. سال‌های آینده نشان خواهد داد که آیا جاه‌طلبی‌های دریایی ترکیه به‌ نفوذ پایدار یا ایجاد بی‌ثباتی بیشتر منجر می‌شود یا نه. در حال حاضر، ناوگان رو به رشد و دکترین دریایی قاطعانه این کشور را تضمین می‌کند تا به‌عنوان بازیگر اصلی در توازن قدرت در حال تحول غرب آسیا باقی بماند.

بدون شرح

قاب‌دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی -اقتصاد سرآمد